



ویژه نامه هفتگی سبک زندگی و خانواده روزنامه جوان

پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ - ۲۶ ذی القعدة ۱۴۴۷

## دانش آموزانی که فارسی را سخت می خوانند

صدای کودکانی که در سالن یکی از آموزشگاه های زبان خارجی شنیده می شود. پسر بچه ای حدوداً هفت ساله با هیجان چند جمله انگلیسی را بی وقفه تکرار می کند و مادرش با لبخند از او فیلم می گیرد. چند دقیقه بعد اما وقتی از همان کودک خواسته می شود چند خط ساده فارسی را از روی کتاب بخواند، کلمات را با مکت و اشتباه کنار هم می چیند. مادر با خنده ای کوتاه می گوید: «فارسی رو خودش یاد می گیره، مهم انگلیسیه...»

شاید این جمله را این روزها بارها شنیده باشیم؛ جمله ای ساده اما تأمل برانگیز که بخشی از واقعیت امروز جامعه ما را روایت می کند. واقعیتی که در آن بسیاری از خانواده ها نگران آینده فرزندان خود هستند. برای یادگیری زبان های خارجی هزینه کلاس ثبت نام می کنند و برنامه ریزی دارند، اما در همین میان زبان مادری، زبان هویت و فرهنگ، آرام آرام به حاشیه رانده می شود. زبان فارسی فقط ابزار گفت و گو نیست؛ حافظه تاریخی و فرهنگی ماست. زبانی که قرن ها فرهنگ، ادب، اندیشه و هویت ایرانی را در خود حفظ کرده و از نسلی به نسل دیگر رسانده است. زبانی که فردوسی برای زنده نگه داشتنش سال ها رنج برد و سعدی و حافظ و مولانا را ن به بلندی تاریخ رساندند... صفحه ۱۰



یرونده ویژه «جوان» به مناسبت ۲۵ اردیبهشت روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی

# فارسی همان فردوسی است احساسی و حماسی!



**دکتر حسن دلبری استاد ادبیات و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری:**

**معصومه امیرزاده نویسنده و پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی:**

**نسرین پرویزی، معاون گروه واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی:**

**لیلا طیبی، نویسنده، شاعر و عضو هیئت مدیره انجمن تخصصی کودک و رسانه:**

## نسل ماشین زده امروز درک درستی از عظمت و عمق ادبیات فارسی ندارد

## روند آموزش زبان فارسی به نسل جدید رضایت بخش نیست

## اگر رسانه های پای کار بیایند نسل های بعد با واژه های فارسی خومی گیرند

## آثار حوزه ادبیات کودکان باید یک پله بالاتر از کتاب های درسی باشد

## خانواده؛ ستون اصلی حفظ زبان فارسی

کار دایره واژگان و قدرت بیان آنها را به شکل ملموسی افزایش می دهد. **گفت و گوهای روزمره؛ پایه تقویت زبان فارسی**

گفت و گوهای روزمره در خانه، فرصتی ارزشمند برای تمرین زبان فارسی هستند. صحبت کردن درباره اتفاقات روز، برنامه های مدرسه یا محل کار، اخبار و حتی خاطرات گذشته، نه تنها مهارت بیان شفاهی را تقویت می کند، بلکه به کودک کمک می کند تا زبان فارسی را به عنوان زبانی زنده و پویا تجربه کند.

یکی از اشتباهات رایج والدین، استفاده بیش از حد از اصطلاحات خارجی یا کلمات نوپس در گفت و گو با فرزندان است. مثلاً به جای استفاده از عبارات ساده و فارسی، به کارگیری واژگان انگلیسی رایج شده است. والدین با انتخاب واژه های دقیق و بیان جملات درست، الگویی عملی برای فرزندانشان خواهند بود. گفت و گوهای خانوادگی می تواند حتی در قالب فعالیت های روزمره مانند آشپزی، خرید یا گردش هم انجام شود، مثلاً توضیح دادن مراحل تهیه غذا با واژگان فارسی غنی، تجربه ای آموزشی و سرگرم کننده است.

### شعر خوانی و موسیقی ادبی؛ زبان فارسی را زنده نگه دارد

شعر یکی از ابزارهای قدرتمند برای حس کردن زیبایی زبان فارسی است. شعر خوانی نه تنها حافظه و توجه کودک را تقویت می کند، بلکه ریتم و آهنگ زبان فارسی را به او می آموزد. والدین می توانند در زمان های خاص روز، مانند قبل از خواب یا تعطیلات آخر هفته، بخشی از اشعار کودکان یا کلاسیک را با فرزندان خود بخوانند و درباره معنا و مفاهیم آنها گفت و گو کنند. برای نوجوانان و بزرگسالان، انتخاب اشعار کلاسیک و معاصر می تواند انگیزه ای برای مطالعه بیشتر و تفکر درباره زبان و ادبیات باشد. حتی می توان شعر خوانی را با موسیقی یا سرود ترکیب کرد، به طوری که تجربه ای جذاب و خاطر انگیز ایجاد شود. این روش باعث می شود زبان فارسی نه تنها حفظ شود، بلکه با لذت و احساس همراه باشد.

### داستان گویی؛ پرورش تخیل و زبان

داستان گویی، فرایندی خلاقانه است که فرزندان را تشویق به استفاده از واژگان و جمله بندی درست می کند. والدین می توانند با تعریف داستان های کوتاه از زندگی خود یا قصه های سنتی و محلی، فرزندان را در فرایند خلق داستان مشارکت دهند. این کار نه تنها مهارت زبانی را تقویت می کند، بلکه به کودکان می آموزد چگونه افکار و احساسات خود را به شکل منسجم بیان کنند.

علاوه بر این، داستان گویی جمعی در خانواده باعث می شود فرزندان با

ارزش های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی ایرانی آشنا شوند. داستان های کهن و محلی، ادبیات شفاهی غنی ما را به نسل جدید منتقل می کنند و حافظ هویت فرهنگی خانواده و جامعه می شوند.

### استفاده هوشمندانه از فضای دیجیتال و رسانه ها

فضای مجازی یکی از چالش های بزرگ برای پاسداشت زبان فارسی است زیرا محتوای انگلیسی یا مختلط با فارسی در دسترس کودکان و نوجوانان قرار دارد. با این حال، خانواده ها می توانند این ابزار را به نفع آموزش زبان فارسی مدیریت کنند. استفاده از اپلیکیشن های آموزش زبان فارسی، کانال های ادبی و فرهنگی در شبکه های اجتماعی، و حتی بازی های آموزشی فارسی، می تواند علاقه فرزندان به زبان و ادبیات فارسی را افزایش دهد.

والدین باید به عنوان راهنما، محتوای دیجیتال را انتخاب کنند و فرزندان را به استفاده مفید و محدود از فضای مجازی هدایت کنند. این کار هم از آسیب های زبان فارسی در دنیای دیجیتال جلوگیری می کند و هم مهارت های زبانی را تقویت می کند.

### ایجاد عادت های روزانه و فرهنگی

حفظ زبان فارسی در خانه نیازمند ایجاد عادت های کوچک اما مداوم است. چند دقیقه مطالعه روزانه، تعریف یک داستان کوتاه، خواندن یک شعر یا نوشتن خاطرات به فارسی می تواند اثر قابل توجهی داشته باشد. حتی نوشتن نامه یا یادداشت های کوتاه به اعضای خانواده با زبان فارسی، تمرینی ساده و مؤثر برای نگارش صحیح است.

همچنین، شرکت در فعالیت های فرهنگی مانند نمایشگاه کتاب، جشنواره های ادبی یا مسابقات داستان نویسی خانوادگی، باعث می شود زبان فارسی نه تنها حفظ شود بلکه در تجربه های جمعی نیز زنده بماند.

### زبان فارسی، میراث خانواده

زبان فارسی، میراث فرهنگی و هویتی ما ایرانیان است و خانواده ها ستون اصلی پاسداشت آن محسوب می شوند. خواندن کتاب، گفت و گو، شعر خوانی، داستان گویی و استفاده هوشمندانه از فضای دیجیتال، ابزارهای عملی و ملموس برای تقویت زبان فارسی در خانه و خانواده هستند. هر خانواده ای که این روش ها را در زندگی روزمره به کار ببندد، نه تنها مهارت زبانی فرزندان خود را افزایش می دهد، بلکه هویت فرهنگی آنها را مستحکم می کند.

در نهایت، زبان فارسی زنده است تا زمانی که ما آن را در خانه هایمان زندگی کنیم. با تمرین روزانه، خلاقیت و توجه والدین، می توان این میراث ارزشمند را به نسل های آینده منتقل کرد و اطمینان یافت که ایرانی بودن و فارسی سخن گفتن همچنان در قلب فرزندان ما جاری خواهد بود.

## بقای فرهنگی در گرو پاسداشت زبان فارسی

مکرر زبانی و استفاده بی ضابطه از واژه های بیگانه در رسانه ها، به تدریج به هتجر تبدیل می شود. رسانه ها می توانند دانشگاه غیر رسمی زبان فارسی باشند؛ مشروط بر آنکه این مسئولیت را جدی بگیرند.

فرهنگ و هنر نیز سهمی اساسی در این عرصه دارند. ادبیات داستانی، شعر، سینما و موسیقی، نه تنها بازتاب دهنده زباند بلکه در شکل دهی به ذائقه زبانی نسل ها نقش دارند. فیلمنامه های سنجیده، دیالوگ های طبیعی و در عین حال درست، ترانه های فاخر و آثار ادبی خلاق می توانند دامنه واژگان و حساسیت زبانی مخاطبان را گسترش دهند. در مقابل، ابتذال زبانی در برخی تولیدات فرهنگی، سطح توقع عمومی را کاهش می دهد.

پاسداشت زبان فارسی، در نهایت، مسئولیتی همگانی است. از نهادهای آموزشی و فرهنگی گرفته تا خانواده ها، رسانه ها و کاربران فضای مجازی، همه در قبال سرنوشت این زبان سهیمند. بزرگداشت فردوسی زمانی معنا می یابد که پیام او را دریابیم؛ زبان، پایه استقلال فرهنگی و ستون استمرار تاریخی یک ملت است.

۲۵ اردیبهشت، فرصتی است برای بازنگری در رفتار زبانی خود؛ برای آنکه ببندیشیم چگونه سخن می گویم، چگونه می نویسیم و چه میراثی به نسل های آینده منتقل خواهیم کرد. اگر زبان فارسی را توانمند، دقیق و خلاق نگه داریم، در حقیقت از هویت ایرانی پاسداری کرده ایم. این همان رسالتی است که فردوسی با سرودن شاهنامه بر دوش ما گذاشته است؛ رسالتی که امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه و عمل است.

امروز مسئله زبان فارسی فقط مسئله واژه و دستور است. و آیین نگارش نیست، بلکه مسئله «بقای فرهنگی» و «استقلال ذهنی» ماست. ملتی که زبان خود را تضعیف کند، به تدریج توان روایت کردن خویش را از دست می دهد و ناچار جهان را با واژه ها، مفاهیم و چارچوب های دیگران می فهمد. خطر اصلی نیز دقیقاً همین جااست؛ فرسایش آرام زبان، پیش از آنکه در کتاب ها دیده شود، در سبک زندگی، در گفت و گوهای خانوادگی، در آموزش، در رسانه و در سلیقه فرهنگی رخ می دهد. اگر فارسی از دقت، غنا، لطافت و قدرت است، از جمله وظایف فرهنگی خانواده هاست. مدرسه آموزش نمی دهد، اما فرصت پالایش و دقت را از دست می دهد. اگرچه زبان زنده همواره در حال تحول است، اما تفاوتی جدی میان تحول طبیعی و آشفته زبانی وجود دارد.

رسانه ها در این میان نقشی تعیین کننده دارند. رسانه های مکتوب، دیداری و شنیداری، الگوی زبانی جامعه اند. هر میزان که خبرنگاران، مجریان و نویسندگان به زبان معیار، دقیق و سالم پایبند باشند، جامعه نیز از آنان تأثیر می پذیرد. در مقابل، خطاهای

رایج و قابل بیان در فارسی، بی دلیل به سراغ معادل های بیگانه می رویم، در واقع به ظرفیت های زبان خود بی اعتماد شده ایم.

پرسش دیگری که باید صریح و بی پرده مطرح شود این است که آیا ما فارسی را صرفاً «حرف می زنیم» یا آن را «می شناسیم»؟ آشنایی عمیق با زبان مادری، مستلزم آگاهی از ظرایف معنایی، دستور زبان، میراث ادبی و ظرفیت های بیانی آن است. در حالی که بخش قابل توجهی از جامعه، به ویژه نسل جوان، ارتباط مستمر و جدی با متون کلاسیک و حتی معاصر ندارد، نمی توان انتظار داشت که پیوندی عمیق با ریشه های زبانی برقرار شود. گسست از ادبیات، به تدریج به گسست از بخشی از هویت فرهنگی می انجامد.

در این میان، خانواده نقشی بنیادین در انتقال صحیح زبان دارد. کودک نخستین واژه ها، لحن ها و شیوه های بیان را در خانه می آموزد. اگر در محیط خانواده، زبان



با دقت، احترام و غنای لازم به کار رود، سرمایه زبانی کودک نیز تقویت می شود. قصه گویی، کتاب خوانی، گفت و گو و شنیداری و اصلاح مهربانانه خطاهای زبانی، از جمله وظایف فرهنگی خانواده هاست. مدرسه می تواند آموزش دهد، اما ذوق و عادت زبانی پیش از آن شکل می گیرد.

فضای مجازی، به عنوان پدیده ای فراگیر در زندگی امروز، تأثیری دوگانه بر زبان فارسی داشته است. از یک سو، امکان تولید و انتشار گسترده محتوا به زبان فارسی را فراهم کرده و موجب افزایش حضور این زبان در عرصه عمومی شده است. از سوی دیگر، شتاب زدگی، اختصار افراطی، روح غلط نویسی و شکسته نویسی بی قاعده، کیفیت زبان را در بسیاری از متون مجازی کاهش داده است. زبان در فضای مجازی اغلب به ابزاری صرفی فوری تبدیل می شود و فرصت پالایش و دقت را از دست می دهد. اگرچه زبان زنده همواره در حال تحول است، اما تفاوتی جدی میان تحول طبیعی و آشفته زبانی وجود دارد.

رسانه ها در این میان نقشی تعیین کننده دارند. رسانه های مکتوب، دیداری و شنیداری، الگوی زبانی جامعه اند. هر میزان که خبرنگاران، مجریان و نویسندگان به زبان معیار، دقیق و سالم پایبند باشند، جامعه نیز از آنان تأثیر می پذیرد. در مقابل، خطاهای

۲۵ اردیبهشت در تقویم رسمی کشور، روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی است؛ روزی برای تأمل در سرنوشت زبانی که ستون هویت ایرانیان به شمار می رود. فردوسی با شاهنامه، زبان فارسی را از گزند فراموشی رهایی داد و آن را به رسانه ای قدرتمند برای استمرار فرهنگ ایرانی بدل کرد. امروز پرسش اصلی این است ما تا چه اندازه در حفظ، تقویت و صیانت از این میراث سترگ موفق بوده ایم؟

در نگاه اندیشمندان علوم انسانی، مهم ترین مؤلفه شکل گیری هویت جمعی است. ملتها پیش از آنکه با مرزهای جغرافیایی تعریف شوند، با زبان خود شناخته می شوند. زبان، ظرف اندیشه، حافظه تاریخی و ابزار انتقال ارزش هاست. هر واژه، حامل بخشی از تجربه بودهایم.

زبان، در نگاه اندیشمندان علوم انسانی، مهم ترین مؤلفه شکل گیری هویت جمعی است. ملتها پیش از آنکه با مرزهای جغرافیایی تعریف شوند، با زبان خود شناخته می شوند. زبان، ظرف اندیشه، حافظه تاریخی و ابزار انتقال ارزش هاست. هر واژه، حامل بخشی از تجربه بودهایم.

در تاریخ ایران، کمتر شخصیتی را می توان یافت که به اندازه حکیم ابوالقاسم فردوسی در پاسداری از زبان و هویت ایرانی نقش آفرین بوده باشد. فردوسی در دورانی که هویت ایرانی در معرض فرسایش قرار داشت، با سرودن شاهنامه، نه فقط اثری ادبی بلکه سندی تاریخی و فرهنگی آفرید. او با احیای روایت های ملی و با آفرینی واژگان و ساختارهای اصیل فارسی، زبانی را که می توانست در گرداب تحولات تاریخی رنگ ببازد، به اوج شکوه رساند. شاهنامه صرفاً مجموعه ای از داستان های حماسی نیست؛ گنجینه ای از ظرفیت های زبانی، سرمایه ای برای خودباوری فرهنگی و الگویی برای پیوند میان هویت ملی و زبان است.

با این حال، پاسداشت زبان فارسی در روزگار ما نمی تواند به بزرگداشت های نمادین محدود بماند. واقعیت آن است که زبان فارسی امروز با چالش هایی جدی مواجه است. یکی از مهم ترین این چالش ها، سطحی شدن کاربرد زبان در گفتار و نوشتار روزمره است. کاهش دامنه واژگان، رواج عبارات کلیشه ای و کم دقت، و جایگزینی تعابیر ناپخته به جای ساختارهای سنجیده، نشانه هایی از نوعی فقر زبانی است. فقر واژگانی، به معنای محدود شدن توان اندیشه و تحلیل نیز هست، چراکه زبان و تفکر رابطه ای تنگاتنگ دارند.

از سوی دیگر، استفاده بی رویه و غیر ضروری از واژگان بیگانه، به ویژه در حوزه های رسانه ای، تبلیغاتی و حتی گفت و گوهای روزمره، به یکی از آسیب های جدی زبان فارسی بدل شده است. بی تردید تعامل زبانی میان ملتها امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است، اما آنچه نگران کننده است، تبدیل شدن این روند به نوعی خودکم بینی فرهنگی است. هنگامی که برای مفاهیم



ناصر سهرابی



نیره ساری

